

Journal of research in Persian
language and literature education



The Application of Layered Stylistics in Fostering Critical Thinking and Improving Reading Literacy Skills (Based on Teaching "Kaveh the Just" from the 11th Grade *Persian Textbook*)

Mojtaba Miladi¹. Hooshang Mohammadi afshaar². Asghar soltani³

1. PhD student in Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman (Corresponding author)

2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman

3. Associate Professor of Educational Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman

ABSTRACT

Keywords:

Constructivist Teaching,
Critical Thinking,
Layered Stylistics,
Literary Texts,
Reading Literacy

Constructivist teaching✉
miladimojtaba5@gmail.com

Today, reading literacy is one of the most important skills required for every human in every society; because this skill is a tool for thinking, problem-solving, and learning in all fields. Improving reading literacy skills through the application of layered stylistics in the literary texts analysis is the main topic of this research. The method used in this article is applied-descriptive and it is based on the study and application of layered stylistics in teaching literary texts in classrooms. The statistical population is "Kaveh the Just" from the 11th-grade *Persian textbook*, taught in Persian classrooms in four high schools in Bavanat County, Fars, Iran from 2022 to 2025 based on layered stylistic analysis and within the framework of the constructivist model. Such teaching method allowed us to take an effective step towards fostering critical and creative thinking, and improving students' reading literacy skills. Despite time limitation in classrooms and lack of a suitable cultural environment for students' thinking, the stylistic analysis teaching method, compared to the traditional ones (based on final evaluation criteria and the results of the national university entrance exam for humanities students), promised a gradual improvement in students' reading literacy.

DOI: 10.48310/rpllp.2025.20271.1255

Received: 1404/02/30 Reviewed 1404/04/17 Accepted 1404/05/01 PP: 25

Citation (APA): Miladi, M., & et al (2025). The Application of Layered Stylistics in Fostering Critical Thinking and Improving Reading Literacy Skills. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 6 (2), 75-99.  <https://doi.org/10.48310/rpllp.2025.20271.1255>



کاربرد سبک‌شناسی لایه‌ای در پرورش تفکر انتقادی و بهبود مهارت سواد

خواندن (بر پایه تدریس درس کاوه دادخواه کتاب فارسی پایه یازدهم)

مقاله پژوهشی

مجتبی میلادی^۱ * هوشنگ محمدی افشار^۲، اصغر سلطانی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳. دانشیار علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

امروزه سواد خواندن یکی از مهمترین مهارت‌های مورد نیاز برای هر انسانی در هر جامعه‌ای است؛ زیرا که این مهارت، ابزار تفکر و حل مسئله و یادگیری در همه زمینه‌هاست. بهبود مهارت سواد خواندن با کاربرد سبک‌شناسی لایه‌ای در تحلیل متون ادبی، موضوع اصلی این پژوهش است. روش مورداستفاده در این مقاله، کاربردی - توصیفی و بر مبنای مطالعه و کاربرد سبک‌شناسی لایه‌ای در تدریس متون ادبی، در کلاس‌های درس است. جامعه آماری این پژوهش نیز متن ادبی «کاوه دادخواه» از کتاب فارسی پایه یازدهم است که در طول سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴، بر پایه تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای و در چهارچوب مدل سازنده‌گرایی، در کلاس‌های درس فارسی، در چهار دبیرستان شهرستان بوانات فارس تدریس گردید. تدریس سازنده‌گرا بر پایه تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای در متون ادبی، باعث شد تا بتوانیم گامی مؤثر در راستای پرورش تفکر نقاد، تفکر خلاق و بهبود مهارت سواد خواندن دانش‌آموزان برداریم. با وجود مشکلاتی همچون کمبود زمان، در کلاس‌های درس و همچنین عدم بستر مناسب فرهنگی برای تفکر دانش‌آموزان، نتایج تدریس به شیوه تحلیل سبک‌شناسانه در مقایسه با نتایج تدریس سنتی (بر اساس معیارهای ارزشیابی پایانی و نتایج کنکور سراسری دانش‌آموزان رشته علوم انسانی) بهبود تدریجی سواد خواندن را در بین دانش‌آموزان نوید می‌داد.

DOI:

10.48310/rplp.2025.20271.1255

واژه‌های کلیدی:

سواد خواندن

تفکر انتقادی

متون ادبی

سبک‌شناسی لایه‌ای

تدریس سازنده‌گرا

۱. نویسنده مسئول

miladimojtaba5@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

شماره صفحات: ۲۵

مقدمه

مهارت سواد خواندن یکی از مهمترین مهارت‌های مورد نیاز زندگی در دنیای امروز است.^۱ اهمیت کسب و تقویت این مهارت، بیشتر بدان سبب است که سواد خواندن، ابزار تفکر و حل مسئله و یادگیری در همه زمینه‌هاست. در این میان، جامعه ایران، بر اساس آمارهای بین‌المللی و نتایج تمامی دوره‌های آزمون‌های «پرلز» (Pirls)^۲، وضعیت بسیار نامناسبی در میان دیگر جوامع دارد.^۳ «عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در مقایسه با سایر کشورهای شرکت‌کننده به طور معناداری پایین‌تر از میانگین بین‌المللی است» (کریمی، ۱۳۸۳). سازمان پرلز که مسئولیت مطالعه و ارزشیابی در زمینه سواد خواندن دانش‌آموزان دنیا را بر عهده دارد، با آزمون‌هایی ویژه، دو هدف اصلی کودکان از مطالعه و خواندن را بررسی می‌کند:

۱. خواندن برای درک مفاهیم از راه تجربه ادبی

۲. خواندن برای کسب اطلاعات و استفاده از آن

این آزمون‌ها، سواد خواندن را از سه جنبه مورد مطالعه قرار می‌دهند: (۱) فرایند درک مطلب (۲) هدف‌های خواندن (۳) نگرش‌های خواندن.

عملکرد ضعیف دانش‌آموزان ایرانی در هر دوره از آزمون‌های پرلز، متخصصان را بر آن داشته تا علاوه بر اعلام نتایج زبان‌بار و مطرح‌ساختن یک مشکل اساسی، راهکارهایی نیز ارائه دهند؛ اما با نگاهی گذرا به پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته است، درمی‌یابیم که راهکارهای ارائه شده، صرفاً برای بهتر پاسخ‌دادن دانش‌آموزان دوره ابتدایی به سؤالات چندگزینه‌ای یا تشریحی آزمون‌های پرلز است و سواد خواندن دانش‌آموزان را به معنای واقعی بهبود نمی‌بخشد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل ناکامی، این باشد که مهارت سواد خواندن هم مانند هر مهارت دیگری، کسب‌کردنی است و تنها با حفظ کردن «مطالبی قاطع و قابل اندازه‌گیری» که به تعبیر «گلسر» آفت آموزش است، (گلسر، ۱۳۷۳: ۴۶ و ۴۷) به دست نمی‌آید. آموختن و تقویت این گونه مهارت‌ها به عنوان یک مهارت ذهنی، جز با رشد ذهنی و پرورش نیروی تفکر به‌ویژه تفکر نقاد ممکن نیست.

۱. مهارت‌های اساسی مکالمه، خواندن، انشا و نویسندگی، حساب و حل مسئله، به این منظور آموزش داده می‌شوند که برای خوب کنار آمدن با دنیا، به اندازه غذا و مسکن، در حفظ بقای ما مؤثرند (گلسر، ۱۳۹۹: ۶۸)

۲. مطالعه بین‌المللی توسعه سواد خواندن

۳. هر چند که این آزمون‌ها در همه دوره‌ها، تنها برای کودکان پایه چهارم ابتدایی برگزار گردیده‌اند، اما شواهد نشان می‌دهد که وضعیت سواد خواندن، در دوره‌های تحصیلی بالاتر (به ویژه دوره‌های متوسطه اول و دوم)، به مراتب بدتر هم شده است. به عبارتی: «خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج»

یکی از راه‌های پرورش تفکر نقاد و به دنبال آن بهبود مهارت سواد خواندن که چندان توجهی هم بدان نشده است، به کارگیری سبک‌شناسی لایه‌ای^۱، در تحلیل متون ادبی است؛ مشروط بر آن که با سازنده‌گرایی^۲ همراه باشد.

پس در این مقاله، تدریس متون ادبی بر پایه تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای، برای بهبود مهارت سواد خواندن مطرح شده است و تحلیل لایه‌های یک پیکره متن ادبی (درس کاوه دادخواه از کتاب فارسی پایه یازدهم) که در فرایند طبیعی تدریس در کلاس‌های درس، بر پایه سازنده‌گرایی فراهم شده، به عنوان نمونه کار آمده است.

پیشینه پژوهش

معصومه نجفی پاک‌کی (۱۳۹۱) در کتاب خود، «سواد خواندن، آموزش درک خوانداری» راهکارهایی علمی برای موفقیت دانش‌آموزان در مهارت سواد خواندن، ارائه کرده است که به نظر می‌رسد برای دانش‌آموزان گزینش‌شده یک کلاس پایه ابتدایی، آن هم با آموزش رسمی در قالب کلاس‌های فوق برنامه و صرفاً برای موفقیت در آزمون‌های پرلز یا مسابقاتی بر پایه رقابت، مفید باشد و نه برای همه دانش‌آموزان یک کلاس، آن هم در فرایند طبیعی کلاس درس و متکی بر مهارت‌آموزی و پرورش تفکر نقاد و خلاق.

در مقاله‌ای با عنوان مقایسه روش‌های تدریس فارسی معلمان بر افزایش میزان سواد خواندن (قاسمی، اسماعیلی و مثنوی، ۱۳۹۱) نویسندگان، روش‌های تدریس سنتی و فعال آموزگاران پایه چهارم ابتدایی را در افزایش میزان سواد خواندن و درک مطلب در شهر تهران بررسی کرده‌اند و در نهایت تنها با ارائه آمار و ارقام، از کارایی بیشتر الگوی تدریس فعال سخن گفته‌اند.

در بسیاری از مقاله‌های جدیدتر نیز وضعیت به همین صورت است؛ یعنی مطرح‌ساختن یک یا چندین روش و مبانی نظری به صورت کلی و ارائه آمار و ارقام مبنی بر این که وضعیت یادگیری یا کیفیت آموزشی بهبود یافته است.

در رابطه با سبک‌شناسی لایه‌ای نیز، فتوحی در کتاب ارزشمند خود، «سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها»، (۱۴۰۰)، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های سبک‌شناسی را در هر دو حیطه نظری و عملی آورده است، اما به تحلیل یک پیکره متنی خاص، به عنوان نمونه کار عملی، آن هم با هدف آموزش یا تقویت مهارت‌هایی خاص، نپرداخته.

۱. این نام‌گذاری برگرفته از کتاب سبک‌شناسی دکتر محمود فتوحی است.

۲. سازنده‌گرایی، یکی از نظریه‌ها یا مدل‌های یادگیری است که بر نقش فعال دانش‌آموز در ساختن دانش و یادگیری تأکید می‌ورزد (سیف، ۱۴۰۰، به نقل از اگن و کاوچاک، ۲۲۶)

در برخی از مقاله‌ها نیز نویسندگان بر روی متن‌هایی خاص از شاعران متمرکز شده‌اند؛ مانند نمونه‌هایی زیر: «سبک‌شناسی لایه آوایی اشعار کمال‌الدین اسماعیل و اثیر اومانی بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای» (علینقی، محسنی‌نیا، ۱۳۹۹).

«سبک‌شناسی لایه‌ای غزلیات سلمان ساوجی» (احمدی، پناهی، یگانه، ۱۳۹۹) که البته نویسندگان، اهداف خود از این پژوهش‌ها را دست‌یافتن به ویژگی‌های سبک فردی، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر متن شاعر عنوان ساخته‌اند.

اما اینکه دانش سبک‌شناسی لایه‌ای، در آموزش متون ادبی، آن هم در فرایند طبیعی کلاس‌های درس، به‌ویژه در دوره متوسطه، به‌گونه‌ای به کار گرفته شود که باعث بهبود مهارت سواد خواندن گردد، موضوعی است که جای خالی آن بسیار حس می‌شود.

روش

روش مورد استفاده در این مقاله، کاربردی - توصیفی و بر مبنای مطالعه و کاربرست سبک‌شناسی لایه‌ای در تدریس متون ادبی، در کلاس‌های درس است. جامعه آماری این پژوهش نیز متن ادبی «کاوه دادخواه» از کتاب فارسی پایه یازدهم است که در طول سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴، بر پایه تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای و در چهارچوب مدل سازنده‌گرایی، در کلاس‌های درس فارسی، تدریس شده است.

بحث و بررسی

در فرایند تقویت مهارت سواد خواندن با استفاده از متون، با چند مرحله بدین ترتیب روبه‌رو هستیم:

۱. خوانش متن (باتوجه به نوع متن، هدف‌ها و نگرش‌های خواندن)
۲. فرایند درک مطلب (با تکیه بر تقویت مهارت‌های تفکر نقاد^۱ و تفکر خلاق)

پرورش تفکر نقاد (بر اساس تجزیه و تحلیل متون ادبی با استفاده از سبک‌شناسی لایه‌ای و خلق ساخت‌های جدید) با سطوح بالای یادگیری به ویژه در حیطه شناختی «بلوم» مطابقت می‌کند. بلوم و همکاران، هدف‌های آموزشی را به سه حوزه یا حیطه تقسیم کرده‌اند که هر حیطه هم شامل تعدادی طبقه است:

۱. حوزه شناختی که فرایندهای فکری و ذهنی را در بر می‌گیرد شامل طبقه‌های:
{الف: بعد دانش (دانش‌آموز واقعی، دانش مفهومی، دانش روندی و دانش فراشناختی)
ب: بعد فرایند شناختی (به یادآوردن، فهمیدن، به‌کار بستن، تحلیل کردن، ارزشیابی کردن و آفریدن)
۲. حوزه عاطفی که دربرگیرنده ارزش‌ها، نگرش‌ها و علاقه‌های افراد است، شامل طبقه‌های: {دریافت کردن، پاسخ‌دادن، ارزش‌گذارن، سازماندهی ارزش‌ها و تشخیص یا شخصیت‌پذیرفتن به وسیله مجموعه‌ای از ارزش‌ها}

۳. به کارگیری دانش کسب‌شده و تجربه‌های ادبی در زندگی (در حلّ مسائل روزمره برای بهبود کیفیت زندگی)

اما مراحل کار در این مقاله که بیشتر، «فرایند درک مطلب»، به‌عنوان شاخص‌ترین بخش سواد خواندن را در بر می‌گیرد، بدین ترتیب است:

۱. تعیین پیکره متن ۲. مقدمات پیش از خواندن ۳. خوانش ابتدایی متن
۴. خواندن و فرایند درک مطلب (الف: درک مطلب کلیات متن ب: درک مطلب جزئیات با بهره‌گیری از سبک‌شناسی لایه‌ای)

۱. تعیین پیکره متن

پیکره متن، در این مقاله، گزیده‌ای است از داستان ضحاک شاهنامه با عنوان «کاوۀ دادخواه» برگرفته از کتاب فارسی پایه یازدهم.

۲. پیش از خواندن:

از آنجاکه قصد داشتیم این پیکره متن را در فرایند طبیعی کلاس درس، تدریس کنیم، آماده‌سازی برای ارائه درس نیز در اولویت کار قرار گرفت.

بدین منظور، مقدمه‌ای کوتاه و جذاب، متناسب با متن، در قالب خاطره، اسلاید، موسیقی و... با توجه به امکانات کلاس طراحی کردیم و به نمایش گذاشتیم (این برنامه در هر کلاس و هر سال متفاوت و متنوع بود)

۳. خواندن متن اصلی:

نخستین و درعین حال مهم‌ترین اقدام، در کسب مهارت سواد خواندن، خوانش متن است. «سبک‌شناسی نیز تأکید دارد که هر تفسیر و قضاوتی باید بر پایه خوانش دقیق عین متن استوار گردد» (فتوحی ۱۴۰۰: ۲۷).

و اما متن ادبی «از یک منظر به واسطه «خوانده‌شدن» است که اعتبار پیدا می‌کند. خوانندگان عادی^۱ با دو انگیزه ادبیات می‌خوانند؛ یکی برای سرگرمی و دیگری برای تفکر که در خوانش برای تفکر، متن ادبی مجال می‌شود برای اندیشیدن، ساختن معنای دلخواه، رمزگشایی و بازی فکری.

۳. حوزه روانی - حرکتی که فعالیت‌های بدنی را شامل می‌شود، شامل طبقه‌های: {حرکت بازتابی یا تقلیدی، حرکت‌های مقدماتی - اساسی، توانایی‌های ادراکی، توانایی‌های جسمانی، حرکت‌های ماهرانه، ارتباط غیر گفتاری} (سیف، ۱۴۰۰: ۴۸۱-۴۵۸)

۱. خوانندگان مورد نظر ما نیز همین خوانندگان عادی هستند.

این کنش‌ها لذت ویژه‌ای از نوع لذت کشف و تأویل را برای خواننده به ارمغان می‌آورد. این لذت حاصل گشودن معنای اثر ادبی و تفسیر و تأویل یا معنافزایی به اثر است» (فتوحی، ۱۳۹۶: ۸۹).^۱

۳-۱. خوانش‌های ابتدایی متن

۳-۱-۱. لب‌خوانی اجمالی متن ادبی (چهار الی پنج دقیقه)

خواندن به معنای درک مطلب است و هدف اصلی خواندن نیز درک مطلب است (باتلر، ۱۴۰۰: ۲۵۹) اگر چه زیر لب‌خواندن و بلندخواندن، در خواندن متن‌های غیرادبی، عیب بزرگی به شمار می‌آید؛ اما روش بلندخوانی، برای خواندن متن‌های ادبی به‌ویژه خواندن اثری هنری همچون «شعر»، آن هم پیش از دقیق خواندن، مزایای زیادی برای دانش‌آموزان به همراه داشت از جمله: تقویت تلفظ و توجه به ظرافت‌های هنری لفظی که خود به فرایند درک مطلب در مراحل بعدی کمک می‌کرد.

۳-۱-۲. الگوبرداری با بهره‌گیری از بهترین الگوی خوانش صوتی به‌صورت گوش دادن و خط‌بردن

در طبقه‌بندی حیطه‌های یادگیری «بلوم»، نخستین مرحله در حیطه روانی - حرکتی، تقلید یا حرکات بازتابی است. کودکان نیز به الگوهایی نیاز دارند که با آنها هم‌ذات‌پنداری کنند (لیپمن ۱۳۹۵: ۱۱۰).

البته هر چند مدل‌ها ابزارهای مفیدی هستند؛ اما زبان‌هایی نیز دارند و باعث می‌شود در چهارچوب خاصی فکر کنیم؛ اما باید به یاد داشته باشیم که در هم شکستن مدل‌ها، ابتدای مسیر خلاقیت است (لیبرمن و لانگ، ۱۴۰۲: ۲۶۹). پس برای یک هنرآموز در زمینه سواد خواندن، استفاده از الگوها بسیار سودمند است مشروط بر آنکه پس از کسب توانایی و اجرای مستقل خوانش (گام‌های بعد از تقلید در حیطه روانی - حرکتی بلوم) بتواند مدل را بشکند و مسیر خلاقیت را هموار سازد.

در کلاس درس ما نیز، این مرحله که بلافاصله پس از مرحله لب‌خوانی انجام گرفت، دانش‌آموزان، هم‌زمان با گوش دادن به الگوی خوانش، با چشم سطرهای متن ادبی را دنبال کردند؛ رفع برخی ابهامات در تلفظ واژه‌ها، عبارات و جملات و همچنین رفع پاره‌ای از ابهامات در حیطه درک متن و همچنین مسئله‌سازی در ذهن دانش‌آموزان در حین خوانش و درک مطلب، از مزایای انجام این مرحله بود.

۱. البته در فرایند آموزش متون ادبی بر پایه سبک‌شناسی لایه‌ای برای بهبود مهارت سواد خواندن، هر دو انگیزه خوانش برای سرگرمی و خوانش برای تفکر، می‌بایست به یک اندازه تقویت شود.

۳-۱-۳. بلندخوانی متن ادبی همزمان با پخش الگوی صوتی

در الگوهای خوانش صوتی، به جز دو اصل «به‌کارگیری زبان بدن» و «اجرا برای مخاطب»، بقیه اصول هنر شعرخوانی (مانند درست‌خوانی، لحن، احساس و...) به‌خوبی رعایت شده است، بنابراین بلندخوانی دانش‌آموزان، در تقویت خوانش هنری آنان و زمینه‌سازی بهتر برای فرایند درک مطلبشان، سودمند واقع می‌شود. دانش‌آموزان توانستند پس از مرحله گوش‌دادن و خط‌بردن، یکی دو بار نیز هم‌زمان با الگوی خوانش، متن را بلندخوانی کنند و حتی زبان بدن را نیز متناسب با درک و فهم ابتدایی، به شیوه‌ای خلاقانه، به کار برند.

۳-۱-۴. ارزشیابی خوانش

در این مرحله، مربی با شیوه‌هایی از جمله بلندخوانی گروهی به‌جای صامت‌خوانی، مطابق با نظریه «سازنده‌گرایی اجتماعی» به ارزشیابی خوانش دانش‌آموزان پرداخت.^۱

۳-۲. خواندن و فرایند درک مطلب

همان‌گونه که پیش‌ازاین اشاره گردید، درک مطلب مهم‌ترین بخش از مهارت سواد خواندن است و در واقع سواد خواندن یک جامعه، بر اساس این بخش سنجیده می‌شود.

۳-۲-۱. خواندن و درک مطلب در کلیات متن (استنباط کلی) و ابداع سازه‌های خلاقانه

این نوع فرایند درک مطلب پیش از کار اصلی تحلیل متن و استنباط جزئیات انجام گرفت؛ ما مربیان به این نکته نیز توجه داشتیم که نقش نیم‌کره راست مغز دانش‌آموزان در این مرحله بسیار تأثیرگذار است. در واقع تصویرسازی با نیم‌کره راست مغز وقتی اتفاق می‌افتد که «درهم‌آمیختگی ذهنی» صورت می‌گیرد و ذهن خواننده را به ذهن نویسنده جوش می‌دهد؛ در نتیجه خواننده می‌تواند تفکرات نویسنده را ببیند (باتلر ۱۴۰۰: ۱۷۳).

اجرای این مرحله بدین صورت انجام گرفت که دانش‌آموزان، بر اساس سیر کلی حوادث متن روایی، به استنباط پرداختند و نتایج این استنباط‌ها را نیز با بهره‌گیری از هوش‌ها و توانایی‌های ویژه خود، (هوش‌های چندگانه گاردنر یا هوش‌های سی و چهارگانه کلیفتون) در قالب‌های هنری گوناگون همچون نقاشی، خطاطی، داستانک، متن ادبی، آوازخوانی فی‌البداهه و... در مدت‌زمان کوتاهی ارائه دادند.^۲

۱- در نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی، ابزار اصلی ساختن دانش، تعامل بین یادگیرنده و محیط اجتماعی اوست. این محیط اجتماعی می‌تواند معلم، پدر، مادر، خواهر، برادر، دوستان و هم‌کلاسی‌ها باشند (سیف ۱۴۰۰: به نقل از اگن و کاوچاک: ۲۲۶).

۲. مربی با این روش می‌تواند با سازنده‌گرایی، به‌جای آنکه خود بر اساس هوش‌های چندگانه تدریس کند، زمینه‌هایی را فراهم سازد تا دانش‌آموز، خود بر اساس هوش‌های چندگانه، کار ارائه دهد.

۲-۳. دقیق خوانی و درک مطلب جزئیات متن (استنباط جزئی) با بهره‌گیری از سبک‌شناسی لایه‌ای)

برای درک مطلب جزئیات متن با رویکرد انتقادی، مناسب‌ترین روش خواندن، «دقیق خوانی» است.

دقیق خواندن پنج مرحله (مرتب) دارد که عبارت‌اند از: نقل به معنا، واضح‌سازی، واکاوی، ارزیابی منطق متن و اندیشیدن از منظر نویسنده. البته خواننده اندیشمند، همیشه همه این مراحل را به کار نمی‌بندد، بلکه گاهی به تبع مقصودی که از خواندن دارد از میان آنها انتخاب می‌کند (الد و پل، ۱۴۰۰: ۲۲ و ۲۳)؛ اما در هر حال، هدف کلی همه خواننده‌ها یکی است: می‌خواهند بفهمند حرف حساب نویسنده در مورد موضوع چیست. (همان: ۹)

برای دقیق خوانی یک متن ادبی، از دانش سبک‌شناسی لایه‌ای در دو مرحله بهره گرفتیم؛ در مرحله نخست، دانش آموزان، تمامی لایه‌های بندهای دستوری در یک پیکره متن را تحلیل کردند. البته در کلاس درس، فرصت برای تحلیل سبک‌شناسانه بیش از سه تا پنج بیت، باقی نمی‌ماند. به همین منظور، دانش آموزان چند بیت ابتدای متن را با راهنمایی مربی خود تحلیل کردند و عهده‌دار شدند تا تحلیل بیت‌های باقی‌مانده را در قالب گروه‌هایی چهار یا پنج نفره، خارج از کلاس، به عنوان کار و تکلیف انجام دهند. در مرحله دوم نیز در جلسه بعدی کلاس فارسی، دانش آموزان با راهنمایی مربی، عناصر سبک‌ساز را شناسایی کردند و به تحلیل و تفسیر آنها پرداختند. بنا بر اهمیت این مرحله، داده‌ها و نتایج آن را با تفصیل بیشتری در زیر می‌آوریم.

۱-۲-۳. تحلیل لایه‌های بندهای دستوری با استفاده از دانش سبک‌شناسی لایه‌ای

مطابق با دانش سبک‌شناسی لایه‌ای، هر متن ادبی شامل چندین لایه بدین ترتیب است:^۱

لایه اول: لایه آوایی / لایه دوم: لایه بلاغی لفظی (که شامل آرایش‌های لفظی می‌شود)

لایه سوم: لایه واژگانی (صرف) / لایه چهارم: لایه نحوی لایه پنجم: لایه معنی‌شناسی.^۲

لایه ششم: لایه بلاغی معنوی (که شامل صنایع معنوی می‌شود) لایه هفتم: لایه کاربردشناسی.^۱

۱. در اینجا چون یادگیرندگان ما، دانش آموزان دوره متوسطه هستند، به جای داستان نثرگونه، نوع پیشرفته‌تر و عالی‌تر متن ادبی یعنی شعر را برگزیدیم؛ همچنین از آنجا که کار اصلی ما آموزش در کلاس‌های درس به منظور تقویت مهارت سواد خواندن است، ترتیب تحلیل در لایه‌های متن با کتاب سبک‌شناسی دکتر فتوحی، کمی متفاوت است.

۲. به معنای یک جمله بدون در نظر گرفتن گوینده، مکان و زمان گفتن و دیگر عوامل کلامی می‌پردازد (فتوحی ۱۴۰۰: ۲۳۸).

لایه هشتم: لایه ایدئولوژیک.

واحد تحلیل سبک‌شناسی بند دستوری است چرا که هر بند کار انتقال یک ایده را بر عهده دارد. (فتوحی ۱۴۰۰: ۱۴۹)

پس در اینجا، بند دستوری، باتوجه به پیکره متن، یک بیت یا بیت‌های موقوف‌المعانی است. در این مرحله، توجه به این نکته نیز ضروری است: «از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی خواندن نظام‌مند یافتن ربط هر جمله به زمینه کلی‌تر و یا متنی است که جمله در آن جای دارد و هر گاه جمله‌ای را جدا از جملات پیش یا پس از آن می‌خوانیم اغلب نکته خاصی به شکلی اغراق‌آمیز برجسته می‌شود» (الدر و پل، ۲۷: ۱۱۴۰۰) که البته مناسب کار ما نیست. پس برای رسیدن به هدف‌هایمان، هر بند دستوری را در ارتباط با کل متن و در زمان‌هایی، حتی در ارتباط با کل اثر تحلیل می‌کنیم.

گزینش چند بیت برای تحلیل سبک‌شناسی^۲

چو ضحاک بر تخت شد شهریار / بر او سالیان انجمن شد هزار (فردوسی، ۱۳۶۶: ۵۵ / ۱)

الف: تحلیل در لایه آوایی:

لحن حاکم بر این بیت و البته تمام بیت‌های شاهنامه لحن حماسی است، اما در ابتدای داستان، این لحن حماسی، لحن روایی نیز به خود می‌گیرد و کوبندگی و صلابت ویژه این لحن را نرم و ملایم می‌کند. شاعر این کار را با یاری واژه‌ها و رابطه همنشینی آنها انجام می‌دهد. وزن عروضی این بیت و البته همه بیت‌های شاهنامه و حتی بیشتر آثار حماسی «فعولن، فعولن، فعولن، فعل» است.

تکیه واژه‌ای نیز هر چند بستگی به خوانش مخاطب دارد؛ اما به نظر می‌رسد باتوجه به اهمیت مدت‌زمان پادشاهی پادشاهان در ابتدای داستان‌های شاهنامه، روی واژه «هزار» قرار می‌گیرد.

ب: تحلیل در لایه بلاغی لفظی:^۳

۱. کاربردشناسی یا منظورشناسی، معنای سخن را در موقعیت و بافتی که به کار برده شده بررسی می‌کند. (فتوحی ۱۴۰۰: ۲۳۹)

۲. هر چند که باید تمامی بندهای دستوری (در اینجا تمام بیت‌های یک پیکره متنی) به همین روش تحلیل شوند اما در این مقاله، مراحل و نتایج تحلیل دو بیت ابتدای متن را که در کلاس درس انجام گرفت، آورده‌ایم.

۳. لایه بلاغی لفظی در موارد زیر نمایان می‌شود:

تکیه بر واج‌آرایی با برجسته کردن واج‌ها / تکیه بر واژه آرایی با برجسته کردن واژه‌ها

واج‌آرایی: تکرار واج «آ» واژه‌های قافیه: شهریار و هزار

ج: تحلیل در لایهٔ واژگانی:

ضَحَاک [ض ح حَا] اِخ؛ بیوراسب. بیوراسف. اژی‌دهاک. اژدهاک. اژدها. (فردوسی). پادشاه داستانی که پس از جمشید بر اریکهٔ سلطنت نشست (لغت‌نامهٔ دهخدا).

شهریار. [شَا] (اِ مرکب) کلانتر و بزرگ شهر. (ناظم الاطباء) (برهان). حاکم. امیر ناحیه‌ای. فرمانروای شهر یا ناحیه یا کشور || پادشاهی را گویند که از همهٔ پادشاهان عصر خود بزرگ‌تر باشد. (برهان) (ناظم الاطباء). پادشاه بزرگ و مطلق پادشاه را نیز گویند (رشیدی). شاه. پادشاه. (همان)

انجمن. [اَج مُ] (اِ) مجلس و مجمع. مجمع مردم. جایی که در آن مردم بسیار نشسته باشند. (غیاث اللغات). گردآمدن گاه مردم در کنکاش و مشورت. (ناظم الاطباء). جای گردآمدن گروهی برای مشورت در امری به طور موقت یا دائم. (فرهنگ فارسی معین) || گروه و فوج مردمان (همان)

انجمن‌شدن [اَج مُ شَا] (مص مرکب) گردآمدن. دور هم جمع‌شدن. مجلس ترتیب‌دادن. انبوه شدن

انجمن‌شدن بر کسی یا چیزی؛ به دور او جمع‌شدن. در گرد وی فراهم‌آمدن و بر او جمع‌شدن (همان)

د: تحلیل در لایهٔ نحوی:

اساس کار در تحلیل نحوی، بازگردانی جمله‌ها بر اساس نحو پایه یا همان نظم عادی ساخت‌های جمله در زبان معیار است. از طرفی «زبان معیار یا درجهٔ صفر نگارش، در سبک‌شناسی، مبنای کشف و شناسایی هنجارگریزی‌های سبکی است؛ بنابراین در بررسی نحو هر متن، باید میزان خروج از معیارهای آن متن را بر اساس نحو پایه یا هنجار بسنجیم» (فتوحی ۱۴۰۰: ۲۷۰).

هر چند که تعیین یک نظم دقیق پایه در غالب زبان‌ها امکان‌پذیر نیست؛ اما در زبان فارسی می‌توان بدین صورت عمل کرد: نهاد+ گزاره (گزاره= مفعول، مسند، متمم، قید+ فعل) و تنها می‌توانیم بگوییم که نهاد در ابتدای جمله و فعل در انتهای جمله می‌آید و جایگاه بقیهٔ اجزای جمله را بیشتر همان دانش زبانی ما تعیین می‌کند.

تکیه بر هماهنگ‌سازی یا تسجیع (که بیشتر در نثرهای مسجع به چشم می‌خورد اما در شعر هم به ندرت یافت می‌شود) تکیه بر همجنس‌سازی یا تجنیس تکیه بر زیبایی قافیه در اشعار کلاسیک به ویژه قافیه‌هایی که آرایهٔ جناس نیز داشته باشند.

معانی مورد پذیرش واژه‌هایی که برای رسیدن به نظم پایه باید در نظر داشت:^۱
 چو: هنگامی که انجمن شدن: گردآمدن. جمع شدن.
 نظم پایه: چو ضحاک بر تخت، شهریار شد، سالیان {پادشاهی}، بر او (ضحاک) هزار {سال}
 انجمن شد.^۲
 ۵: تحلیل در لایه معنی‌شناسی
 هر چند که در بررسی لایه واژگانی، با معنی سروکار داشتیم؛ اما در آن‌جا معنای واژه را بررسی می‌کردیم و در این‌جا با معنای حقیقی جمله روبه‌رو هستیم.^۳
 معنی حقیقی بند دستوری: هنگامی که ضحاک بر تخت، شهریار شد، سالیان پادشاهی، بر او، هزار سال جمع شد.
 ۶: تحلیل در لایه بلاغی معنوی:^۴

۱. بسیاری مواقع برای دستیابی به نظم پایه، نیازمندیم که کلمات را با در نظر گرفتن معنی آن، در جای مناسب خود در جمله قرار دهیم.
۲. البته دانش‌آموزان صورت‌های دیگر را نیز در مصراع دوم آزمایش کردند تا در نهایت این نظم پایه را پذیرفتند. ساختار دستوری و معنایی این نظم پایه که مورد پذیرش دانش‌آموزان قرار گرفت، مطابق بود با ساختار جملاتی که در دانش زبانی آنها جای داشت.
- صورت‌هایی که ذهن دانش‌آموزان آن را پس از زمانی اندک مردود دانست عبارت بود از:
 الف: بر او (ضحاک) سالیان، هزار (ان نفر) انجمن شد (با این معنی که در طول سال‌های دراز جمعی هزاران نفر، دور او جمع شدند (سالیان: سال‌های طولانی و در این جمله نقش قیدی دارد) که در این صورت علاوه بر پیچیدگی، دانش‌آموز به یاد می‌آورد که سال‌های پادشاهی ضحاک هزار سال بوده نه اینکه هزاران نفر دور او جمع شدند.
 ب: انجمن (انجمن شدن مردم) سالیان (سال‌های طولانی) بر او (ضحاک)، هزار (سال) شد، که در این صورت واژه «شد» دو بار به کار رفته است و علاوه بر پیچیدگی، نادرست می‌نماید.
 ج: بر او (ضحاک) هزار سالیان، انجمن شد؛ که در این صورت (اگر هزار سالیان در نقش قیدی باشد) هم نهاد گم می‌شود و هم جمع‌بستن معدود، با رجوع به گنجینه دانش زبانی، نادرست جلوه می‌کند.
 د: سالیان، بر او (ضحاک) هزار (سال) انجمن شد؛ که در این صورت، دو واژه سال، (یکی در روستا و دیگری در ژرف ساخت) ضرورت ندارد و زشت می‌نماید.
۳. در این مرحله از دانش‌آموزان خواستیم که معنای واژه‌های ناآشنا و مبهم را به‌گونه‌ای برگزینند که با همان جمله یا جملات بازگردانی شده، در معنای حقیقی خودش، درست به نظر آید.
۴. نام‌گذاری صنعت‌های بلاغی (لفظی و معنوی) بر اساس کتاب‌های معانی، بیان و بدیع دکتر شمیسا انجام گرفته است.

اگر چه در مرحله تحلیل معناشناسی، معنای سطحی بند دستوری باتوجه‌به گنجینه دانش زبانی و ادبی مخاطب، درست می‌نماید؛ اما در ذهن مخاطب، (دانش‌آموز) ابهاماتی نیز پدید می‌آید که این معنی حقیقی را پذیرفتنی نمی‌داند.

سؤالات و ابهاماتی که در ذهن دانش‌آموزان پدید می‌آید:
مورد نخست: عبارت «جمع‌شدن پادشاهی به‌دور کسی» یعنی چه؟ سال‌های پادشاهی، انسان که نیست که بخواهد بر گرد کسی جمع شود.
مورد دوم: در مورد واژه «تخت» سؤالاتی از این دست پیش می‌آید: آیا پادشاهان تنها بر روی تخت، پادشاه می‌شوند؟

در ابتدای کار، این ابهامات که حسّ زیباشناسی و تفکر انسان را نیز برمی‌انگیزد، در واژه‌ها و عبارتها، خود را نشان می‌دهد که همان صنایع بیانی و بدیعی است. حال به تحلیل این سؤالات و ابهامات می‌پردازیم:
بر تخت پادشاه شدن: با مفهوم کلی پادشاه‌شدن.

جمع‌شدن پادشاهی بر او به مدت هزار سال: مدت‌زمان پادشاهی او که هزار سال طول کشید.
تخت: یکی از ابزارهای اصلی برای پادشاهی‌کردن: مجاز انجمن‌شدن سال بر کسی: کنایه از سپری‌شدن عمر کسی.
کلّ مصرع دوم نیز کنایه‌ای است از اینکه ضحاک هزار سال پادشاهی کرد پادشاهی‌کردن، آرایه اغراق دارد.

بر تخت شدن: کنایه از به‌قدرت‌رسیدن ضحاک و شهریار و هزار: تناسب
نتیجه تحلیل لایه بلاغی در قالب جملاتی منسجم:
وقتی ضحاک، پادشاه {ایران} شد، حکومت او هزار سال طول کشید.
ز: تحلیل در لایه کاربردشناسی:

کاربردشناسی یا منظورشناسی برای آن است که شنونده منظور گوینده را (که در بسیاری از موارد صریحاً بیان نمی‌شود) دریابد (شمیسا ۱۳۸۶: ۵۲) و غایت این شاخه، بررسی معنای مورد نظر گوینده، {نیت مؤلف} است (فتوحی ۱۴۰۰: ۲۶۷).

پس در اینجا برای بیان ناگفته‌های بندهای دستوری که بیشتر مربوط به معانی ثانویه جملات است، علم معانی را به خدمت می‌گیریم.

بار دیگر به جمله «وقتی ضحاک پادشاه {ایران} شد، حکومت او هزار سال طول کشید» نظر می‌افکنیم.

با یک جمله مرکب خبری روبه‌رو هستیم که ظاهراً قصد اولیه آن خبر رساندن است؛ اما با کمی تأمل درمی‌یابیم که مقصود فردوسی تنها بیان خبر آن هم خبری به این اغراق‌آمیزی نبوده است؛ پس می‌توان فهمید که فردوسی به طولانی‌شدن ظلم آن هم از جانب پادشاهی بیدادگر بیگانه نظر دارد.

برخی از دانش‌آموزان هم با رجوع به گنجینه دانش خود درمی‌یابند که یک لحظه ناخوشایند (از نظر حسی) برای انسان، بسیار طولانی سپری می‌شود و در اصطلاح، تحمل یک لحظه ظلم، معادل هزار سال است.

به‌کاربردن واژه «هزار» در این جمله نمادی از کثرت است و مفهومی ایدئولوژیک را بیان می‌کند. نتیجه تحلیل لایه کاربردشناسی در قالب جمله یا جملاتی منسجم: وقتی ضحاک پادشاه {ایران} شد، حکومت او هزار سال طول کشید (مدت‌زمان بسیار طولانی بر ایران ظلم کرد)

نهان گشت کردار فرزنانگان / پراکنده شد کام دیوانگان (فردوسی، ۱۳۶۶: ۵۵/۱)

الف: تحلیل در لایه آوایی: رجوع شود به همان مطالب در تحلیل لایه آوایی بیت نخست

ب: تحلیل در لایه بلاغی لفظی: واج‌آرایی: تکرار صامت «ن» واژه‌های قافیه: دیوانگان و فرزنانگان

ج: تحلیل در لایه واژگانی:

کردار. [ک] مترادف ۱- رفتار، عمل، فعل، کار، کنش ۲- صفت ۳- رسم، روش، شیوه ۴- شکل، هیئت، متضاد گفتار (دهخدا)

دیوانه: از دیو + انه، ادات نسبت. (یادداشت مؤلف) مانند دیو. در اصل بیای مجهول بوده به معنی کسی که منسوب و مشابه دیوان باشد در صدور حرکات ناملائم. منسوب به دیو و جن، ضد فرزانه که منسوب به عقل و حکمت است. (همان)

فرزانه. {فَـنَ} (ص) حکیم. دانشمند. عاقل. (برهان) بخرد. فرزنان. فیلسوف. مقابل دیوانه.

(یادداشت به خط مؤلف) (همان)

کام: مراد و مقصود. سقف دهان. (فرهنگ معین)

د: تحلیل در لایه نحوی:

نظم پایه: کردار فرزنانگان نهان گشت (و) کام دیوانگان پراکنده شد.

تحلیل واژگانی مورد پذیرش:

فرزنانگان: خردمندان (کام: آرزو) دیوانگان: دیوانه‌ها و مجنون‌های امروزی - انسان‌های بدکار دیو مانند در مقابل فرزنانگان. (که مورد اخیر را در همین جا می‌پذیریم.) کردار: رسم، روش، شیوه

ه: تحلیل در لایه معنی‌شناسی:

معنی حقیقی بند دستوری: راه‌وروش فرزنانگان نهان گشت و خواسته بی‌خردان و بدکرداران، پراکنده شد.

و: تحلیل در لایه بلاغی معنوی:

آرایه تضاد: نهان و پراکنده – فرزنانگان و دیوانگان پراکنده‌شدن: کنایه از رواج پیدا کردن دیوانگان: استعاره از افراد نادان دیوانگان: ایهام: ۱. دیوانه‌ها ۲. دیوهای طرفدار ضحاک کام: مجاز از آرزو.

نتیجه تحلیل لایه بلاغی معنوی در قالب جملاتی منسجم:

راه‌وروش خردمندان از بین رفت و خواسته بی‌خردان و بدکرداران در همه‌جا رواج پیدا کرد.

ز: تحلیل در لایه کاربردشناسی:

(راه‌وروش خردمندان از بین رفت و خواسته بی‌خردان و بدکرداران در همه‌جا رواج پیدا کرد.)

در اینجا با دو جمله هم‌پایه روبه‌رو هستیم که هر دو جمله خبری است.

در جمله نخست، گرچه سخن از نابودشدن اندیشه و گفتار و کردار خردمندان و اصول اخلاقی و اجتماعی است؛ اما شاعر، به‌گونه‌ای برای از میان رفتن میراث سالیان، تأسف می‌خورد.

نهاد جمله دوم «خواسته انسان‌های بی‌خرد» است که با فعل «رواج پیدا کرد» بیان شده و این منظور را می‌رساند که آن انسان‌ها، با پشتوانه یک نهاد سیاسی، به خواسته‌ها و آرزوهای ضداخلاقی و ضد انسانی‌شان رسیده‌اند و همچنین باز اظهار تأسف، اما این بار از رایج شدن امری ناشیست که اندک‌اندک زمینه را فراهم می‌کند برای برانگیختن خشم مخاطب در ابیات بعدی.

نتیجه تحلیل لایه کاربردشناسی در قالب جملاتی منسجم: متأسفانه، راه‌وروش خردمندان از بین رفت و انسان‌های نادان و بدکار، به خواسته‌ها و آرزوهای ضداخلاقی و ضد انسانی‌شان رسیدند.

شناسایی عناصر سبک ساز و تفسیر و توصیف آنها بر پایه روش‌ها

کار اصلی سبک‌شناس تبیین نقش عناصر سبک‌ساز و تفسیر و ارزیابی آنهاست که معمولاً شامل تبیین میزان ابداع و تازگی، تأثیرات زیبایی‌شناسیک، تأثیرات معنایی و نقش‌های متنی می‌شود.

(فتوحی ۱۴۰۰: ۲۱۲)^۱

۱. نکته: در تحلیل لایه‌های متن، برای کار تدریس، توانستیم تحلیل کاربردشناسی (منظورشناسی) را حتی در سطح یک جمله یا یک بیت بررسی کنیم (البته این کار مشروط بر آن بود که آن یک جمله یا آن یک بیت، خود یک بند دستوری باشد) و منظور یک جمله یا یک بیت را حتی مستقل از متن مطرح کنیم؛ اما در کار سبک‌شناسی و برای منظورشناسی، می‌بایست تمام پیکره متن را به عنوان یک کل واحد در نظر بگیریم و بررسی کنیم.

الف: عناصر سبک‌ساز و تفسیر آنها در لایه آوایی

لحن حماسی:

در همان نگاه اول، وزن بیت‌های شاهنامه که پدیدآورنده لحن حماسی است جلب توجه می‌کند. تکرار وزن «فعولن - فعولن - فعولن - فعل» در همه ابیات به همراه قافیه‌های دوتایی، مناسب‌ترین وضعیت را برای آفرینش یک منظومه بلند حماسی، پدید آورده است.

از سوی دیگر، شور و هیجان ویژه‌ای که در همین لحن حماسی شاهنامه حس می‌شود، در مقایسه با لحن حماسی حتی آثاری مشابه همچون گرشاسب‌نامه و گشتاسب‌نامه، جایگاه والاتری دارد.

در لحن حماسی، واژه‌ها و عبارتها با ریتمی محکم و کوبنده تلفظ می‌شود و کمتر مجالی برای بیان احساسات لطیف یا ضعف و زبونی باقی می‌گذارد. هر چند این کوبندگی در لحن حماسی، در ارائه منظومه‌های حماسی، مطابق با عناصر و رخداد‌های داستان، تغییراتی به خود می‌گیرد. (تغییرات در فراز و فرود آوایی، تکیه‌ها و...) به عنوان نمونه در ابتدای همین داستان منظوم، لحن روایی غالب می‌شود و از کوبندگی بالقوه وزن حماسه (فعولن، فعولن، فعولن، فعل) می‌کاهد و داستان، مطابق با پسند مخاطبان، به گونه‌ای ملایم، آغاز می‌گردد.

ب: عناصر سبک‌ساز و تفسیر آنها در لایه بلاغی لفظی

بسامد صنعت واج‌آرایی:

در این پیکره متنی، بسامد صنعت ادبی واج‌آرایی، به ویژه در بخش نقطه اوج داستان، یعنی ورود خشمگینانه کاوه دادخواه به دربار ضحاک، توجه خواننده را به خود جلب می‌کند:

«همان گه یکایک ز درگاه شاه/ برآمد خروشیدن دادخواه» (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶۷/۱)

از آنجاکه این شعر از دل شاعر برخاسته است لاجرم بدون تصنع، بر دل خواننده هم می‌نشیند تا آنجا که خواننده در حین خوانش، با درک و دریافت صنعت واج‌آرایی در واج‌های «خ»، «ش» و «د»، خشم و داد و خروش را حس می‌کند؛ این مورد در دیگر بخش‌های شاهنامه نیز خود را نشان می‌دهد و این است نمونه‌ای نام آشنا:

بدو راست خم کرد و چپ کرد راست/ خروش از خم چرخ چاچی بخواست (همان: ۱۸۴/۳) که

مخاطب در ورای خوانش، صدای چرخ چرخ کمان در اثر خم شدن را به خوبی حس می‌کند.

و خلاصه اینکه «در بیت کلام فردوسی هم صداقت، ایمان و عشق هویداست و هم قدرت تجسم در او در حد اعلاست، گویی به شیوه نمایشنامه‌نویسان امروزی، صحنه تئاتر را تجسم کرده و نوشته است» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۴).

بسامد واژه‌های خروش و داد و خروشدن و واژه‌هایی از این قبیل در یک بیت یا چندین بیت متوالی نیز نشان می‌دهد که فردوسی به جز واج‌آرایی، واژه‌آرایی را هم به شیوه‌ای هنرمندانه، به‌عنوان ابزاری مناسب در خدمت ایدئولوژی (که در این پیکره متنی همان ظلم‌ستیزی است) به کار گرفته است.

ج: عناصر سبک‌ساز و تفسیر آنها در لایه واژگانی^۱

هنر واژه‌گزینی و واژه‌سازی فردوسی:

اگر تمایل خاص فردوسی به نهضت شعوبیه را مدنظر قرار دهیم، هنر واژه‌گزینی فردوسی را حداقل برای دو مقصود ویژه، بهتر درک می‌کنیم؛ نخست: گزینش واژه‌های فارسی در مقابل واژه‌های عربی در جای جای مجموعه شاهنامه.^۲

دیگر: اهتمام ویژه فردوسی در زنده ساختن فرهنگ و تمدن ایرانی که این اقدام نیز با کاربرد واژه‌هایی خاص^۳ که بیشتر واژه‌های کهن فارسی هستند، امکان‌پذیر بوده است. این کهن‌گرایی و هنر واژه‌سازی که در خدمت ایدئولوژی و تمایلات شعوبیه قرار می‌گیرد، هم باعث افزایش حس نوستالژیک در همه زمان‌ها می‌شود و هم تداوم فرهنگی و شکوه و ولایی را در همه زمان‌ها، برای مخاطبان به‌ویژه ایرانیان، به ارمغان می‌آورد.

واژه‌ها در این پیکره متنی و تمام شاهنامه، بیشتر عینی و محسوس‌اند که با عقلانیت سازگارترند؛ حتی موجوداتی همچون دیو و ضحاک اسطوره‌ای و پری که در واقع انتزاعی بودند، در شاهنامه با بیان ویژگی‌هایی متناسب با محتوا و ایدئولوژی ملی‌گرایانه دوره عقلانیت، (که می‌توان آنها را از طریق رمز نیز پذیرفت) صورت حسی پیدا کرده‌اند.

ضحاک، همان‌طور که در سخنان دکتر غلامحسین یوسفی در ابتدای متن کتاب درسی دانش‌آموزان آمده، معرب واژه آژی‌دهاک و دهاکه فارسی است و از آنجاکه فردوسی، ضحاک را از سرزمین عربستان می‌داند، ذهن‌های مخاطبان را به گزینش تعمّدی این واژه معرب در برابر واژه‌های فارسی می‌کشانند.

۱. در این جا از شناسایی عناصر سبک‌ساز همچون، وجود واژه‌های کهن، همی به جای می و ... خودداری می‌کنیم؛ نخست بدان سبب که این عناصر سبک‌ساز، ویژه سبک خراسانی است که بزرگان ادبیات در این باره داد سخن داده‌اند و دوم اینکه هدف ما دست یابی به نوعی سبک شخصی و نزدیک شدن به نیت مؤلف برای پیگیری اهدافی خاص است.

۲. بدون تردید برخی از این واژه‌های فارسی، در خراسان قدیم و به ویژه میان طبقه دهقانان رواج داشته است و برخی را هم شخص فردوسی با توانایی شگرف خود آفریده.

فردوسی برای سرایش شعر حماسی و شرح پهلوانی‌ها و افتخارات قهرمانان ایرانی، از واژگانی فارسی و درعین‌حال فخیم و فاخر در برابر واژگان سست و عامیانه بهره گرفته است؛ واژه‌های شکوهمندی همچون تخت، شهریار، مهتر، سترگ و...

همچنین این استاد فرزانه، با همان هنر واژه‌گزینی، ادب و نزاکت را نیز همه‌جا رعایت کرده است حتی برای توصیف شخصیت منفوری چون ضحاک، از به‌کاربردن واژه‌هایی چون مهتر و سپهد، دریغ نورزیده است و فخامت اثر هنری خویش را با کینه‌ورزی‌های احتمالی خود از دشمنان، کم‌رنگ نساخته.

بسامد واژه‌اژدها در پیکره متنی:

به جز بسامد خود واژه «اژدها»، برابره‌های معنایی این واژه (مانند ضحاک که به معنی اژدهاست) و نیز بسامد واژه‌هایی که خود، با این واژه ساخته شده‌اند؛ در این پیکره متنی جلب‌توجه می‌کند: «کشید اژدهافش به تنگی فراز (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱/ ۶۲) «تو شاهی و گر اژدهاپیکری» (همان: ۶۸) نخواهیم بر گاه ضحاک را / مران اژدهاخیم ناپاک را (همان: ۸۱)

یکی از دلایل بسامد واژه «اژدها» در این پیکره متنی و به دنبال آن در کل مجموعه شاهنامه آن است که: «مار و اژدها یکی از کهن‌الگوهای بنیادین است؛ مار نماد شر، جاودانگی، شهوت، رازآلودگی، خرد و نابودی است.» (اسماعیل‌پور ۱۳۹۷: ۵۲۲)

نکته جالبی که در اینجا به چشم می‌خورد این است که اژدها در برخی از این بیت‌ها بار معنایی مثبت دارد و نه منفی. به‌عنوان نمونه، «اژدهاپیکر» در مصراع بالا، به معنای پادشاه است؛ زیرا که پادشاهان، درفش و لباسشان با نقش اژدها از دیگر درباریان متمایز می‌شده.

د: عناصر سبک‌ساز و تفسیر آنها در لایه نحوی:

«جای‌گردانی نحوی» در شعر فردوسی به نظم پایه امروزی نزدیک است (در مقایسه با شعر ناصرخسرو و نظامی و خاقانی و...)؛ و این ویژگی «سهل و ممتنع‌بودن»، هر چند کار ما را در بازگردانی و فهم متن، آسان‌تر و انگیزه خواننده را برای خواندن بیشتر می‌کند، با این وجود، کمتر می‌توان از این شیوه به تشخیص‌های سبکی خاص فردوسی پی برد.

صدای دستوری سبک:

روشن است صدای دستوری در شعر حماسی فردوسی، صدای فعال است. جملات با افعال معلوم (در برابر افعال مجهول) و نهاد مشخص، فعالیت‌هایی معین را فریاد می‌زنند؛ این صدای فعال در گفتگوها و در صحنه‌های رجزخوانی با ابراز خشم در برابر بیداد، آشکارتر و گیراتر می‌شود:

۱. جابه‌جایی سازه‌های جمله اعم از فاعل و متمم و ادات در سطح جمله را با اصطلاح «جای‌گردانی نحوی» تعبیر کرده‌اند (فتوحی ۱۴۰۰: ۲۷۳).

همی برخوردشید و فریاد خواند / جهان را سراسر سوی داد خواند (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶۹/۱)

ه: عناصر سبک‌ساز و تفسیر آنها در لایه بلاغی معنوی:

از آنجاکه ایدئولوژی بیشتر در لایه بلاغی و کاربردشناسی آشکار می‌شود، برای جلوگیری از تکرار، عناصر سبک‌ساز لایه بلاغی را عنوان می‌کنیم و شرح و تفسیر آن را در بخش بعدی (عناصر سبک‌ساز در لایه ایدئولوژیک) پی می‌گیریم.

استعاره:^۱

در داستان ضحاک و تمام شاهنامه، صنعت استعاره را زیاد می‌بینیم؛ البته منظور ما از استعاره تنها استعاره آشکار (مصرّحه) نیست؛ بلکه استعاره یا در مفهوم خاص به‌عنوان یک صنعت ادبی (استعاره آشکار و پنهان) یا در مفهوم عام‌تر که شامل استعاره‌گونه‌هایی مانند اسطوره، نماد، تمثیل و کهن‌الگوها نیز می‌شود.

تشبیه:

تشبیه به‌ویژه تشبیهات حسی، بیشتر برای بیان ارزش‌های ایدئولوژیک مورد استفاده فردوسی قرار گرفته است.

اغراق:

آرایه ادبی اغراق، ابزار مهم فردوسی برای خلق حماسه ملی ایران است که در بسیاری مواقع با آرایه‌های دیگر از جمله تشبیه، تلفیق می‌شود.

تضاد:

یکی از موارد قابل توجه، تقابل واژه‌های متضاد در متن است. در همین پیکره متنی، تقابل متضادهایی چون هنر و جادویی/ راستی و گزند/ بدی و نیکی جلوه‌گری می‌کند؛ زیرا که «یکی از موضوعات اصلی در اوستا و شاهنامه تقابل نور و تاریکی یا خیر و شر است» (اسماعیل‌پور ۱۳۹۷: ۲۳۲) «اسطوره در بطن خود تقابل‌های کلانی دارد که هر یک قابل تجزیه به تقابل‌های خردترند» (رضایی دشت‌ارژنه و دیگران ۱۳۹۵: ۱).

و: عناصر سبک‌ساز و تفسیر آنها در لایه کاربردشناسی:

در بیت نخست، جمله «ضحاک هزار سال پادشاهی کرد» فراهنجار جلوه می‌کند؛ به‌ویژه در دنیای امروز و با وجود پیشرفت علم و تکنولوژی در شاخه‌های گوناگون زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، ژنتیک و ...

۱. کشف صنعت استعاره با سازنده‌گرایی، توسط دانش‌آموزان، مزیت ویژه‌ای برای بهبود سواد خواندن نیز دارد؛ یکی از انواع تصویرسازی برای به فعالیت واداشتن نیمکره راست مغز جهت درک مطلب و تندخوانی، تصویرسازی استعاره‌ای است. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به کتاب «تندخوانی با نیمکره راست مغز» اثر دیوید باتلر صص ۱۹۱-۱۷۱

در نقد اسطوره‌های هنر، اعدادی خاص همچون هفت و سه، از کهن‌الگوهای بنیادین محسوب می‌شود که عدد هفت، نماد کمال و تمامیت و عدد سه به معنی تثلیث است (اسماعیل‌پور ۱۳۹۷: ۵۲۳).

عدد هزار نیز نماد کثرت و زیادی است که هنوز هم در گفت‌وگوهای روزمره و نام‌گذاری‌ها، کاربرد فراوان دارد:

هزارساله که ندیدمت.....هزارپا.....هزار جزیره و ...

جمله «بر اثر بوسه ابلیس دو مار سیاه از دو کتفش برست (فردوسی، ۱۳۶۶: ۵۰ / ۱) نیز فراهنجار است که البته رویدادن مارها نماد است نه واقعیت؛ نمادی از داشتن خوی و صفات اهریمنی که هر خواننده آشنایی را به یاد داستان آفرینش در اسطوره‌های زرتشتی می‌اندازد.^۱

ز: عناصر سبک‌ساز و تفسیر آنها در لایه ایدئولوژیک:

اگر چه بازتاب ایدئولوژی در عناصر زبان، در همه سطوح آن از نظام آوایی گرفته تا واژگان و ساخت‌های نحوی و عناصر بلاغی قابل بررسی است، اما برای پرهیز از دوباره‌گویی، تنها همان لایه یا لایه‌هایی را که ایدئولوژی در آن به بارزترین و بهترین شیوه نمود پیدا کرده است، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

ایدئولوژی در لایه بلاغی:

این ایدئولوژی ملی‌گرایی (در تمام شاهنامه) و ظلم‌ستیزانه (در بخش گفتار اندر داستان کاهوه آهنگر با ضحاک تازی) بر پایه بیان افتخارات پهلوانان و شخصیت‌های ویژه گذشتگان، ژانر ادبی منظومه حماسی را به خدمت گرفته است و آرایه مناسب برای حماسه‌سرایی یعنی اغراق را با بسامد در خدمت ایدئولوژی درآورده؛ حتی در مواقعی که آرایه‌های ادبی دیگر همچون تشبیه و استعاره هم به کار گرفته شود از چاشنی اغراق (معادل همان اغراق‌هایی که به صورت جداگانه در متن به کار گرفته می‌شود) تهی نیست.

«هر ایدئولوژی یا نظام باوری، رمزگان ویژه خود را تولید می‌کند که بخش مهمی از این رمزگان را استعاره‌ها شکل می‌دهند و نقش اصلی استعاره در ادراک این نظام مفهومی، آن است که مفاهیم خیالی و انتزاعی را به کمک مواد حسی صورت‌بندی و قابل درک می‌کند (فتوحی ۱۴۰۰: ۳۶۳).

در شاهنامه نیز بخشی از این کار با استعاره‌سازی انجام گرفته است. کاربرد استعاره در شاهنامه یا در مفهوم خاص به‌عنوان یک صنعت ادبی به نمایش می‌آید یا در مفهوم عام‌تر که شامل استعاره‌گونه‌ها از جمله اسطوره، نماد، تمثیل، کهن‌الگوها و ... می‌شود.

۱. رک. نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار از آرتور کریستین سن

اسطوره‌ها به گونه‌هایی سازگارتر با زمان و مکان خود، در شاهنامه روایت شده‌اند؛ «ضحاک، در داستان‌های ایرانی، مظهر خوی شیطانی است و زشتی و بدی؛ و در اوستا اهریمنی است سه پوزه سه سر شش چشم، دیوزاد و مایه آسیب آدمیان و فتنه و فساد» (یوسفی، ۱۳۷۹: ۳۱) اما همین موجود در شاهنامه یک انسان بیگانه ظالم است که از نظر شکل و شمایل انسانی تنها دو مار، آن هم به خاطر بوسه‌های ابلیس، بر دوش او روییده است و بر عکس اسطوره‌ها، بسیار ملموس جلوه می‌کند.

ایدئولوژی در لایه کاربردشناسی:

جمله‌ها و بندهای دستوری بهتر از واژه‌ها نشان‌دهنده ایدئولوژی هستند؛ زیرا منظور را به طور کامل و منسجم نشان می‌دهند. ممکن است ایدئولوژی در چندین بند دستوری و یا حتی کل یک پیکره متنی جای گرفته باشد و در این صورت، نگاه کل‌گرای خواننده، باید دنبال یک ساخت منسجم باشد که در بخش یا بخش‌ها و یا حتی کل یک اثر ادبی قرار گرفته است. به عنوان نمونه همان ظلم‌ستیزی در بیت‌های گوناگون و به‌ویژه در بخش اوج داستان، یعنی ورود کاوه به دربار ضحاک جای گرفته.

برتری‌های روش تدریس با تحلیل متن بر پایه سبک‌شناسی لایه‌ای:

روش تدریس متن بر پایه تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای، می‌تواند در سنجش با سایر روش‌های تدریس برتری‌های چشمگیری داشته باشد که به موارد زیر اشاره می‌کنیم (این موارد به صورت کلی بیان شده است و بیشتر بر پایه تجربیات بیش از بیست سال تدریس و همچنین تجربه‌های بازدید و نظارت از کلاس‌های درس همکاران، بوده است)

به طور خلاصه، به کارگیری روش یادشده، بسیار بیشتر از روش‌های دیگر، دانش‌آموزان را در رشد ذهنی و حتی رشد عاطفی و اجتماعی یاری می‌کند.

پرورش تفکر انتقادی، بهبود فرایند درک مطلب و در نهایت بهبود سواد خواندن دانش‌آموزان، با روش تحلیل جزئیات در هر لایه از متن و پدید آمدن روحیه پرسشگری و میل به کشف پاسخ‌ها بر اساس اصول علمی و مبانی نقد، به خوبی میسر است.

این روش برای اجرای نظریه سازنده‌گرایی به‌ویژه سازنده‌گرایی اجتماعی نیز بسیار سودمند است.

در این روش، به چالش کشیدن تمامی داده‌ها و نتایج بر اساس معیارهای علمی و تفکر انتقادی، کاری پسندیده است و همین مورد راه را برای پرورش دانش‌آموزان متفکر و علمی در برابر دانش‌آموزان غیر متفکر و شبه علمی، هموار می‌سازد.

همان‌گونه که پیش‌ازاین هم عنوان گردید، اهمیت داده‌ها و نتایج علمی در تحلیل سبک‌شناسانه، تنها به پرورش تفکر نقاد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در به‌کارگرفتن آن داده‌ها و نتایج در مسیر پرورش تفکر خلاق نیز مؤثر است؛ به‌عنوان نمونه، دانش‌آموزان با همین داده‌ها و نتایج علمی، بهتر توانستند یک خوانش هنری از همین پیکره متن ارائه دهند؛ بهتر توانستند یک داستان نوین با پیام‌های سازنده بنویسند، انیمیشن‌های جذاب با توجه به نیازهای ژرف فرهنگی امروز بسازند و ...

نتیجه‌گیری:

مهارت سواد خواندن یکی از مهارت‌های اساسی برای زیستن در همه جوامع انسانی است؛ کسب و تقویت این مهارت ضروری، تنها با مطالعه راهکارهای نظری یا به‌کارگیری روش‌های سنتی معلمان که بیشتر مبتنی بر سخنرانی است، حاصل نمی‌شود؛ بلکه رسیدن به این هدف، با تغییر شیوه‌های تدریس معلمان زبان و ادبیات به سمت سازنده‌گرایی، با تکیه بر پرورش تفکر نقاد و خلاق میسر می‌شود.

تدریس بر پایه تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای متون ادبی، در چهارچوب مدل سازنده‌گرایی، یکی از راهکارهای بسیار سودمند برای پرورش تفکر نقاد، تفکر خلاق و در نهایت بهبود تدریجی مهارت سواد خواندن است که در این پژوهش با بدان پرداختیم.

هدف از سبک‌شناسی لایه‌ای، تحلیل، واکاوی و درک و فهم تمامی لایه‌های بیرونی و درونی متن، برای دستیابی به نوعی سبک شخصی و نیت مؤلف است. انجام کار عملی در این زمینه در مواقعی با مراحل پنج‌گانه مهارت «دقیق خوانی» (نقل به معنا، واضح‌سازی، واکاوی، ارزیابی منطق متن و اندیشیدن از منظر نویسنده) و همچنین با سطوح عالی یادگیری «بلوم» (به‌ویژه تجزیه در شکستن یک‌بند دستوری) ترکیب (در ساخت جملاتی منسجم در هر لایه متنی پس از تجزیه) و ارزشیابی (در تمامی مراحل کار در تحلیل لایه‌ها) منظر می‌شود؛ از این‌رو برای رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی از جمله تقویت سواد خواندن دانش‌آموزان، سودمند است.

نمونه یک کار تجربی در این پژوهش، تحلیل سبک‌شناسانه تمامی لایه‌ها در پیکره متنی «کاو» دادخواه بود که با شناسایی عناصر سبک‌ساز و تفسیر و توصیف آنها بر پایه روش‌ها همراه گشت. اما در این پژوهش، تقویت تدریجی تفکر نقاد و سواد خواندن، تنها با انجام کار دانش‌آموزان (تحلیل سبک‌شناسی متن) با راهبری مربی پایان نپذیرفت؛ بلکه در مراحل بعد نیز، نتایج کار سبک‌شناسی دانش‌آموزان، توانست پشتوانه نقد روشمند ادبی گردد و کار نقد آنان را تاحدامکان، از آفت‌هایی همچون سلیقه‌های شخصی و ذوقی و غیرعلمی دور گرداند که همین اقدام، خود نیز باعث پرورش بهتر تفکر نقاد و بهبود هر چه بیشتر سواد خواندن در دانش‌آموزان گردید. همچنین،

همین فعالیت‌ها، در مسیر پرورش تفکر خلاق دانش‌آموزان و بهبود هر چه بیشتر سواد خواندن آنها با پرورش تفکر خلاق (پس از پرورش تفکر نقاد) نیز مؤثر بودند؛ خلق سازه‌های نوین ادبی همچون هنر شعرخوانی، داستان‌نویسی، انیمیشن‌سازی و... نیز از دستاوردهای واپسین دانش‌آموزان بود.

نتایج تدریس به شیوه تحلیل سبک‌شناسانه، با هدف بهبود مهارت سواد خواندن نیز، در مقایسه با نتایج تدریس سنتی سال‌های پیشین (بر اساس معیارهایی از جمله ارزشیابی‌های تکوینی و پایانی، بررسی نمرات فارسی دانش‌آموزان در امتحانات نهایی و تأثیر مثبت در نتایج کنکور سراسری دانش‌آموزان رشته علوم انسانی) به سهم خود، بهبود تدریجی سواد خواندن را در بین دانش‌آموزان نوید می‌داد.

منابع

- آرمسترانگ، توماس (۱۳۹۰). هوش‌های چندگانه در کلاس درس. ترجمه مهشید صفری. تهران: مدرسه.
- آمابلی، ترزا (۱۳۹۹). شکوفایی خلاقیت. ترجمه حسین قاسم‌زاده و پروین عظیمی. تهران: دنیای نو.
- احمدی، حدیث؛ پناهی، میهن؛ یگانه، سپیده (۱۳۹۹). «سبک‌شناسی لایه‌ای غزلیات سلمان ساوجی (لایه‌های نحوی و واژگانی)». *بلاغت کاربردی و نقد بلاغی*. ۵. (۲)، ۱۱-۲۸.
- استیگلر، جیمز؛ هیبرت، جیمز (۱۳۸۴). شکاف آموزشی، بهترین ایده‌ها از معلمان جهان برای بهبود آموزش در کلاس درس. ترجمه محمدرضا سرکارآرانی و علیرضا مقدم. تهران: مدرسه.
- اسماعیل‌پور مطلق، ابوالقاسم (۱۳۹۷). *اسطوره، ادبیات و هنر*. تهران: چشمه.
- (۱۴۰۱). *اسطوره بیان نمادین*. تهران: سروش.
- امامی، نصرالله (۱۴۰۰). *مبانی و روشهای نقد ادبی*. تهران: جامی.
- باتلر، دیوید (۱۴۰۰). *تندخوانی با نیمکره راست مغز*. ترجمه مریم سیاحی. تهران: آرایان.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۰۹). *ادبیات مزدیسنا، ترجمه و تفسیر یشتها*. جلد ۱ و ۲. بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی.
- جعفری، مسعود؛ تنها، زهرا (۱۴۰۳). «رابطه ادراک از محیط سازنده‌گرا و عملکرد تحصیلی: نقش میانجی یادگیری خودراهبر و درگیری تحصیلی». *مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۶(۲)، ۲۹-۵۶.
- دورقی نجمی، شیما؛ زارعی، محمدحسین (۱۴۰۳). «شناسایی و اعتبارسنجی فرصت‌ها و شرایط و نیازهای آموزشی معلمان در جهت توسعه حرفه‌ای و ارتقای کیفیت تدریس». *نظریه و عمل در تربیت معلمان*. ۱۰(۱۸)، ۳۰۵-۳۲۳.
- رشیدی، زهرا (۱۴۰۳). «آموزش پژوهش‌محور: حلقه مفقوده چرخه کیفیت در آموزش و یادگیری نظام آموزش عالی ایران». *مطالعات آموزش و یادگیری*. ۱۶(۲)، ۲۹۷-۳۰۲.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۹۸). *سایه‌های شکارشده*. تهران: طهوری.

- سیف، علی اکبر (۱۴۰۰). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: دوران.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵). بیان. تهران: میترا.
- (۱۳۸۲). سبک‌شناسی شعر. تهران: فردوس.
- (۱۳۸۶ الف). معانی. تهران: میترا.
- (۱۳۸۳). نقد ادبی. تهران: فردوس.
- (۱۳۸۶ ب). نگاهی تازه به بدیع. تهران: میترا.
- علینقی، حسین؛ محسنی‌نیا، ناصر (۱۳۹۹). «سبک‌شناسی لایه آوایی اشعار کمال‌الدین اسماعیل و اثیر اومانی بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای». متن پژوهی ادبی بهار، ۲۴، (۸۳)، ۲۹۷-۳۳۴.
- قاسمی، محمود؛ تاجیک اسماعیلی، عزیزالله؛ مثنوی، امیر (۱۳۹۱). «مقایسه روش‌های تدریس فارسی معلمان بر افزایش میزان سواد خواندن و درک مطالب درسی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی شهر تهران». علوم تربیتی. ۱۹، (۲)، ۶۷-۸۶.
- عبادی جمیل، سعید؛ رضایی‌دشت‌ارژنه، محمود؛ قلعه‌خوانی، گلناز (۱۳۹۵). «بررسی اسطوره ضحاک بر اساس ساختار تقابل‌های دوگانه کلود لوی استروس». جستارهای نوین ادبی. (۱۹۵)، ۶۷-۹۲.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۶). درآمدی بر ادبیات‌شناسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۴۰۰). سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق. نیویورک: Bibliotheca persica
- قبول، احسان؛ یاحقی، محمدجعفر؛ محمدیاری، اشرف (۱۳۹۵). «بررسی میزان رشد تفکر انتقادی دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد)». نقد ادبی. ۹، (۳۳)، ۱۷۷-۲۰۵.
- کبیری، مسعود؛ شوندرغری، الهام، (۱۴۰۲). «مدل‌سازی نقش عوامل در نگرش معلمان به پژوهش و ارائه چارچوبی برای ارتقای آن». نظریه و عمل در تربیت معلمان. ۹، (۱۶)، ۲۸۱-۳۰۶.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۹۳). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۴). «بررسی نتایج مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد (PIRLS)». تعلیم و تربیت. ۲۱، (۱)، ۱-۳۶.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۶). نامه باستان. ج ۱. تهران: سمت.
- گلسر، ویلیام (۱۴۰۰ الف). تئوری انتخاب. ترجمه علی صاحبی. تهران: سایه سخن
- (۱۳۷۳). مدارس بدون شکست. ترجمه ساده حمزه. تهران: رشد.
- (۱۴۰۰ ب). مدرسه کیفی. ترجمه علی صاحبی. تهران: سایه سخن..... (۱۳۹۹). معلم مدرسه کیفی. ترجمه علی صاحبی. تهران: سایه سخن.

لیبرمن، دانیل ز؛ لانگ، مایکل ای (۱۴۰۲). دوپامین، مولکولی با خواص شگفت‌انگیز. ترجمه محمد اسماعیل فلزی. تهران: مازیار.

لیپمن، میتیو و همکاران (۱۳۹۵). فلسفه در کلاس درس. ترجمه محمدظهیر باقری نوع‌دوست. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

لیندا، الدر؛ پریچارد، پل (۱۴۰۰). آشنایی با هنر پرسشگری سقراطی. ترجمه پیام یزدانی. تهران: اختران.

..... (۱۴۰۱). آشنایی با هنر تفکر راهبردی. ترجمه امین هاشمی و آرش اردهالی. تهران: اختران.

..... (۱۳۹۹). آشنایی با هنر دقیق‌خواندن بر اساس مبانی و اصول تفکر انتقادی. ترجمه پیام یزدانی. تهران: اختران

..... (۱۴۰۰). تفکر انتقادی. ترجمه اکبر سلطانی و مریم آقازاده. تهران: اختران.

میرصادقی، جمال (۱۳۹۴). عناصر داستان. تهران: سخن.

نجفی‌پازکی، معصومه (۱۳۹۱). سواد خواندن، آموزش درک خوانداری. تهران: مدرسه.

نوولا، استیون (۱۴۰۱). ذهن فریبکار شما، راهنمای علمی برای مهارت‌های تفکر نقاد. ترجمه اکبر سلطانی و مریم آقازاده. تهران: اختران.

یافتیان، نرگس؛ نکوئی قهفرخی، اسماء (۱۴۰۳). «بررسی ادراکات استعاره‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه چهارم درباره حل مسائل ریاضی». مطالعات آموزش و یادگیری. ۱۶(۱)، ۲۱۱-۲۳۶

یوسف‌زاده چوسری، محمدرضا؛ راخدپور، اسدالله (۱۴۰۳). «مطالعه تطبیقی تجارب کشورهای پیشرو در زمینه آموزش بین‌المللی». نظریه و عمل در تربیت معلمان. ۱۰(۱۸)، ۲۲۱-۲۴۳.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۹). چشمه روشن. تهران: علمی.

یونگ، کارل گوستاو (۱۴۰۱). روان‌شناسی و تعلیم و تربیت. ترجمه علی محمد برادران رفیعی. تهران: جامی.

<https://taaghche.com>

<https://dehkhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary>

<https://vajehyab.com/moein/>